

جایگاه و فلسفه استعاذه از دیدگاه قرآن و حدیث

مجید معارف¹

الهه سلیمانیه نائینی²

چکیده

نیاز و غنی است، شایسته التجاء میباشد. واضح است که انسان
خداوند متعال که ذات بی

عقل در هنگام احتیاج دست به جانب کسی دراز کند که برای رفع نیازش قادر باشد. در
آموزه‌های قرآنی خداوند متعال به عنوان خالق و آفریدگار بشر، تنها پناهگاه انسان در
همه امور و به‌خصوص در مقابله با شیطان معرفی شده است. همه انسانها، حتی
پیامبران الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام در معرض اغوای دامهای شیطان قرار
می‌گیرند، که با توجه به آیات قرآن، این بزرگواران نیز به خالق یکتا استعاذه کرده‌اند.
برای مصونماندن از دامها و وسوسه‌های شیطانی، ایّمان، توکل و اخلاص به خداوند،
از عوامل استعاذه در کالم وحی، نام برده شده است. در شناخت کلی از استعاذه، دانستن
اهمیت، آداب، حقیقت، اهداف، ارکان و اقسام آن ضروری

می‌باشد، و توجه به این امور، در تحقق کمال آن، کمک فراوانی می‌کند. از جمله

شروط اصلی در احادیث استعاذه، ذکر زبانی همراه با توجه و معرفت قلبی به مبدأ
هستی است. **کلیدواژه‌ها:** استعاذه، شیطان، ابلیس، پناه بردن

1. استاد دانشگاه تهران)

2. (کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث) نویسنده مسئول)

2

مقدمه و طرح مسئله 1-

انسان، همیشه با افکار درونی و وسوسه‌های شیطانی در زندگی روزمره محاصره شده است. به تعبیر روایات، شیطان مثل خون در بدن انسانها جاری است و افکار را به هم می‌ریزد و بر قلب آدمی اثر می‌گذارد. اگر انسان راهی به سوی خدای متعال نیابد و به بیراهه گام بردارد، خود را تباه و راه هدایت را گم می‌کند. طبق آیات و روایات شیطان از جن است (الک‌هف: 50): (نه از مائیکه و ماهیت او از آتش است و ریشه دشمنی ابلیس با کرد و بعد از این کار از درگاه حق ر اوست

که از سجده کردن بر آدم ابا آدم، تکب رانده شده و ملعون گشت و احاطه‌اش تنها در عالم خلق و دنیاست. مهارتهای شیطان طبق آیات قرآن؛ اغوای انسان، زینت‌گری و صحنه‌پردازی بدیها و نیکو جلوه‌دادن و آن که امکانات دنیا را آرایش می‌دهد تا انسانها به دنیا وابسته شده و دیگر نتوانند از آن دل بکنند. انسان باید با این دشمن دیرینه و حيله گر که کمر همت بسته تا آدمی را با وسوسه‌های خود، به وادی گمراهی بکشاند، مقابله کند.

دشمنی که دیده نمی شود اما

می‌بیند و به غارت هستی انسان مشغول است. باید برای نجات و رستگاری خود به جهاد

با او برخاست و این امر حاصل نمی‌شود مگر خود را به صالح الهی مسلح کنیم که این صالح، چیزی جز اطاعت و بندگی پروردگار نیست. اگر «استعاذه» را امری معنوی بدانیم، هنگام گفتن «اعوذ باهلل» باید قلب و عمل هم، به خدا پناهنده شود و اگر انسان در برابر هجوم شیطان، صادقانه به خدا پناه برد، بی‌درنگ شیطان از او دور می‌شود، زیرا خداوند 1392

تواناست به ندای بندگان خبیر و برای پناه دادن و دفع شر.

تعریف استعاذه 2-

استعاذه «مصدر از ریشه (عوذ)، باب استفعال است و به معنای؛ پناه بردن و»

اعتصام (ابن منظور، 1414ق: 9/464)، التجاء به غیر و پیوسته شدن به او(ابن
اثیر: 1364، 3/318)؛ 1382: 2/1500 (می‌باشد. و پناهگاه و پناهندگی) جر

3

عاذ فالن بفالن؛ او از غیر، به فالنی پناه می‌برد؛ یعنی به خدا ملتجی می‌شود و»
به او پناه می‌برد و از او یاری می‌خواهد که آن کار را انجام دهد و از انجام آن
بدی و زشتی دوری می‌جوید (راغب اصفهانی، 1412ق: 595). بعضی گفته‌اند:
«عوذ بفالن من کذا»؛ از ترس چیزی به فالنی پناه برد و پناهنده شد
(مهیار: 1370، 60). این واژه پیشینه‌های کهن در زبانهای سامی داشته است،
چنانکه در زبان عبری باستان در معنی پناه گرفتن بوده است. از مهمترین الفاظ
در بحث استعاذه، واژه اعوذ می‌باشد که مصدر از عوذ و متکلم وحده است. و
پناه بردن به کسی که می‌تواند این واژه در معنای حفظ کردن خویش و پرهیز دادن
از شر
آن را دفع کند آمده است (طباطبائی، 1417ق: 20/392). همچنین در طلب پناه و

احتراز - شیطان را

می‌توان از دیگر معانی

استعاذه دانست

(طباطبائی، جستن

به وسیله خدا از شر

بنابراین استعاذه عبارت است از گریز از شیطان و دعا به درگاه خداوند که (. 1417 343/12:

انسان را از گرفتار شدن در چنگال او و صدمه دیدن از نیرنگهایش نجات
می‌بخشد، زیرا جایگاه و فلسفه استعاذه از دیدگاه قرآن و حدیث

شیطان، عامل هرگناه و منشأ هر نوع گمراهی است (شرقاوی، 1363: 458).

معنای اصطلاحی این واژه در معنی وسیع آن، برخاسته از یک امر غریزی است، زیرا انسانها هنگام رویارویی با خطرهای می‌کوشند تا با پناه جستن به یک قدرت برتر به آرامش و اطمینان دست یابند. در فرهنگ اسالمی، استعاذه دعایی است که بهوسیله آن، انسان برای دفع شرور، خود را در حصن و پناه خدای متعال قرار می‌دهد و اصل این ^۶ بدی و وسوسه‌های شیطان‌یواژه، تعبیری است قرآنی در معنی پناه بردن به خدا از هر شر

که شامل پناه‌بردن به شیء، شخص و مکان است (بادکوبه هزاره،: 1377
 195/8). برخی ت بخاود در معنای آن گفته‌اند: یک مقام پائینتر از مقام بالترا با اظهار خضوع و مدل که در برابر دشمن، او را پناه دهد و از او دفاع کند (طبرسی،: 1372 48/14). استعاذه گریز از تصرفات شیطانی و نیز دعا و درخواست از درگاه خدای متعال است که در قالب الفاظ مختلفی چون لوذ (النور: 63، لجأ) (مقری الفوی، 1414ق: 55)، غوث (طریحی،: 1375 260/2)، (أوی) (راغب اصفهانی، 1412ق: 104)، عصم (قرشی،: 1371 8/5)، جار

4

طریحی: 1375، 239/3)، موئل (مهیار: 1370، 880)، ملتحذ (ابنمنظور)، 1414ق: 389/3) و تعویذ (فراهیدی، 1410ق: 9/2) استعمال شده است که در همه این الفاظ معنای پناه‌بردن به پروردگار متعال، ملحوظ است و اما «تعویذ»؛ هر گونه طلسم، دعا، افسون، ورد و نذر قربانی و مانند آن را گویند (آذرنوش،: 1384 468). (اذکار خاص برای دفع چشم زخم، سحر، آفات

و بالیا و برطرف کردن دردها و بیماریها را نیز می‌توان اضافه کرد) هاشمی شاهرودی،: 1384 544/2). «تعویذ یا معاذات» هم به چیزی می‌گویند که نوشته می‌شود و آن را برای چشم زخم بر گردن انسان آویزان می‌کنند که البته از

آویزان کردن آن نهی شده است (ابنمنظور، 1414ق: 499/3). «عوزه» به معنی حرز و آن چیزی است که بهوسیله آن از امری پناه می‌گیرند و دعا و طلسمی است که بهصورت مهرهای برای دفع چشم، به گردن اطفال آویزان می‌کنند. همچنین، به دعای دفع ترس و جنون نیز گویند و «معاذه» هم به این معنا می‌باشد.

عرب پیش از اسلام، برای رهایی از ناگواریها و شرور، تعویذهای گوناگونی از جمله:

سا

ل

ده

م

-

ش

ما

ره

2

5

-

تا

ب

س

تا

ن

رقیه (ابنمنظور، 1414ق: 499/3)، تمیمه (آذرنوش: 1384، 64)، نشره (راغب اصفهانی، 1412ق: 806)، حرز (آذرنوش: 1384، 116)، نفره (انیس: 1384، 2006/2) را بهکار می‌بردند. آنها از ساحران و کاهنانی که مدعی رابطه با موجودات غیبی (جن و شیطان) و نیز مدعیانی که آگاه از رازهای نهفته بودند، یاری می‌خواستند

موجودات، توسل می‌جستند (بادکوبه هزاره، 1377: ۱۹۵/۸). ولیکن بعد از نزول قرآن و بر پایه روایات تعویذ به قرآن و ادعیه و اسماء الهی که معنی آنها مفهوم باشد، سفارش شده است (طوسی، التهذیب 1411، ق: ۱۸۵/۳). سوره‌های حمد، معوذتین، آیه الکرسی، قدر و آیات پایانی سوره آل عمران (محدث نوری، 1408 ق: 124/8؛ مجلسی، 1404 ق: 342/89 و 356) و مهمتر و رایجتر از همه تمام قرآن است که با خط ریز مرقوم است و بزرگسالان، کودکان را به آن تعویذ می‌کنند و تعویذهای قرآنی برای دفع چشم زخم یا

5

محفوظ بودن از بالها به صورت کتبی یا شفاهی ذکر شده است. در کتب ادعیه و اذکار، برای دفع بیماریها و آفات و شرور و مانند آن دعاها و نوشتنهای رمزدار مرقوم است^۵ که لزوماً در آن الفاظ استعاذه استفاده نشده است (معینی، 1377: 632-631/1). (از رسول اکرم) ص (درباره تالوت معوذتین) فلق و ناس (به‌عنوان بهترین تعویذ) مجلسی، 1404 ق: 282/43 و جانشین انواع تعویذ نادرست عصر جاهلی، روایات فراوانی موجود است و حضرت بارها حسنین علیهما‌السالم را به این دو سوره تعویذ می‌کردند (طبرسی، 1372: تعویذ به غیر آیات قرآن و دعاهایی 8۶/10). در این باره دو نکته قابل ذکر است: اول که از ائمه معصومین علیهما‌السالم رسیده حرام و باطل است و در روایت آمده است که تعویذ به قرآن و اسماء الهی که معنی آنها مفهوم است مانعی ندارد (طبرسی: 1372، 15/92). ثانیاً، هنگام خواندن و نوشتن و برگرفتن تعویذ، الزم است خلوص نیّت کامل

رعایت شود و باید توجه داشت که تأثیر هر دعا و دوایی به خواست خداوند و تقدیر او جایگاه و فلسفه استعاذه از دیدگاه قرآن و حدیث بستگی دارد، که او بر هر کاری تواناست.

به‌طور کلی تعویذها بر دو قسم است: تعویذهای شفاهی؛ عوذهای ایام هفته است که برای هر یک از روزهای هفته دعای خاصی به این عنوان روایت کرده‌اند؛ و عوذهایی که در تعقیب نمازهای واجب آمده است (عاملی کفعمی، 1405ق: 98). تعویذهای کتبی؛ براساس روایات، عوذهای نوشته شده و در مواقع مختلف آویزان می‌شوند.

استعاذه در قرآن کریم 3-

بدی و واژه استعاذه در اصل تعبیری است قرآنی در معنی پناه بردن به خدا از هر شر و وسوسه‌های شیطانی است. خداوند به عنوان تنها پناهگاه است (مغنیه: 1383، 1/96). در قرآن کریم، هفده مرتبه مشتقات واژه (عوذ) به کار رفته است که بیشتر به صیغه ثالثی^۱ مجرد است مانند: عذت، اعوذ، یعوذون، معاذ. همچنین ثالثی مزید این واژه هم در قالب فَعَال (اعیذها) و استفعال و در صیغه امر (استعذ) ملحوظ است. قرآن یکبار بابهای ا

6

آدمی^۲ را از پناه جستن از جن نکوهش کرده است و در دیگر موارد خداوند را تنها ملجأ و مأوا معرفی کرده است. دو سوره پایانی قرآن که با خطاب به پیامبر اکرم(ص) آغاز شده است، جامعترین بیان درباره استعاذه است، به‌گونه‌ای که آیات دیگر استعاذه را می‌توان شرحی از مفاهیم و مصادیق ای^۳ ن دو سوره تلقی کرد و مشتقات استعاذه عالوه بر سور مبارکه ناس و فلق در پانزده مورد دیگر ذکر شده است (اظهري، 1367: 229/21). مفسران

بر حسب کاربرد این واژه و مشتقات آن تعبیر چندی را در توضیح آن ذکر

کرده‌اند: « اعتصام به خدا برای طلب نجات و پناه بردن به خدا و توجه به

او؛

خود را در حيازت چيزی برای حفظ از بدی قرار دادن؛
خضوع برای خدا جهت کسب توفیق و عدم رها شدن به حال خود (طبرسی،

1372:

286/5)؛

اتصال به حضرت حق" برای در امان ماندن از شر هر شروری (ابن کثیر

دمشقی 1419، ق:

29/1)؛

درخواست دفع شر به وسیله شخص پایینتر از بالاتر با خضوع و فروتنی (طبرسی، سال

ده

م

-

ش

ما

ره

2

5

-

تا

ب

س

تا

ن

1372 593/6)؛

حرز گرفتن (آلوسی، 1415 ق: 65/7)؛

(استعاذه لطفی که مانع تأثیر وسوسه‌های شیطان می‌شود) مرادی، 1382: 97/3
در بینش قرآنی، استعاذه به غیر خدا جایز نیست و اما دستور به پناهجویی به کهف و

الکھف: 10، 16) که در آیات قرآن آمده است به معنای پناهجویی به کسی و یا)
چیزی در معنای واقعی آن نیست، بلکه در طول پناهجویی است و به عنوان
ابزار است. انسان، از خود به کسی پناه می‌برد که توانایی دفع آن را داشته باشد
بهبطور طبیعی برای دفع شر
ر انسان است یا صاحب قدرتی که حکمی نافذ دارد، مانند اله یا
مرب
معبود یا پادشاهی از پادشاهان می‌باشد که هر سه صفت را خدای تعالی داراست.

در قرآن ست (الکھف: 27، 58؛ المؤمنون:

۹۸، ۹۷؛ استعاذه به خداوند متعال با اوصافی

چون ربوبی

ت و... مشهود است) (مریم: ۱۸؛ الوهیهود: 47؛ الدخان: ۲۰؛ رحمانی
در سوره ناس خداوند به رسولش سفارش کرده است که با سه صفت به او پناه
برد؛ صفت ربوبیت در «رب الناس»؛ صفت مالکیت در «ملک الناس»؛ و

صفت الوهیت در «اله الناس». درباره ذکر صفات رب، ملک و اله در سوره ناس گفته شده، انسان بهطور

طبیعی، آن کس که مربی و مدبر اوست و یا صاحب قدرت و توانایی است و حکمی نافذ دارد برای دفع شر از خود، انتخاب می‌کند. هر سه صفت را خداوند داراست و راز اینکه صفت رب بر آن دو مقدم شده است، نزدیکتر بودن مربی به انسان است و والیت پادشاه اعم از والیت مربی است و اله ولی است که انسان از روی اخلاص به او توجه می‌کند (طباطبایی، 1417ق: 396/20). در بیان ذکر استعاده خدای تعالی رسول

می‌دهد: «فَجِمْ» (النحل: ۹۸). افرادی که «طمان الر-

اسْتَعِذْ بِأَهْلِ خَوْشِ رَا اینگونه تعلیم

مَنْ الشَّيْ

غزوه تبوک را ترک کردند، در تنگنای روحی و اجتماعی قرار گرفتند و به خدای متعال جایگاه و فلسفه استعاده از دیدگاه قرآن و حدیث

قرآن ه...»
کریم (التوبه:
اهل اِل 118)؛
إِلِيْ مُشْتَقَات
واژه
(عود)
در آیات

بردند: «ال م
ل جَانَاهُ

در سه وجه است؛

:پناهبردن به خدا

اعُوذُ (البقره: ۶۷؛ هود: ۴۷؛ مریم: ۱۸؛ المومنون: ۹۷ 98؛ آیه اول سوره -

فلق و
ناس(؛

ذ

(فصل

ت:

؛ ۳۶

العرا

ف:

؛ 200

النحل:

؛ ۹۸

غافر:

۵۶؛ ع

ست- ا

عُذْتُ (الدخان: ۲۰؛ غافر: 27)؛ -

اعى ذ (ال عمران: ۳۶)؛ -

معاذ (يوسف: 79 23)؛ -

پناه بردن ممدوح به غير خدا (الكهف: 16، 10)؛

پناه بردن مذموم به غير خدا (هود: ۴۳؛ الجن: ۶، طبرسي: 1372، 10/۵۵۵)؛

واژگان تذكر (الاعراف: ۲۰۱)؛ (ملجأ) التوبه: ۱۱۸، ملتحد (الجن: 22)، موئل

(الكهف: م) الفاتحه: 7) كه يهالم غض وبّ عل ۵۸، توكل (النحل: ۹9)،

تجنثرون (النحل: ۵۳) (و غى ر

در آیات قرآن وجود دارد از نظر معنایی با پناهبردن تناسب دارد. امام رضا(ع)

درباره 'غض

وب' علیهم» در

سوره حمد

فرموده‌اند:

«این ذکر برای

استعاذه است»

(ابن‌بابویه قمی،

«غیرالم

و در کتاب «علل الشرایع» آمده است که بنده با ادای این (107/2: 1378:

عبارت، پناه بر خدا می‌برد و استعاذه می‌جوید از اینکه در زمره معاندین، کافرین

و کسانی که امر و نهی را کوچک می‌شمردند، باشد) (ابن‌بابویه قمی: 827/1

فواید استعاذه در آیات 4-

شیطان به خدای با بررسی آیات شریف قرآن، ثمرات و فوایدی برای پناهبردن از شرّ متعال، به‌دست می‌آید؛

ایمنی از شرور: شامل شرور دنیّ^۱ و آخرت، انسان، جن و شیاطین، درندگان و گزندگان، آتش، آب، غذاهای زیان‌بار، قحطی و بیماری می‌شود. جامع‌ترین سورهای که این شرور را برشمرده است، سوره فلق است که یک مرتبه در این سوره (به صورت

موجودات (الفلق: 2)؛ اشاره شده است که شامل همه موجودات مطلق (به استعاذه از شرّ

سال دهم - شماره 5 - تابستان

2

و مخلوقات می‌شود. در آیه بعد، پناهبردن از تاریکی است که بیشتر مفسران آن

را در معنای فسق و فجور و اقدام حشرات و پرندگان به هنگام شب گرفته‌اند؛
 زیرا تاریکی می‌باشد، بنابراین شرور در شب، بیش از روز اتفاق بستر مناسب
 برای انجام دادن شر
 می‌افتد. در ادامه از شر دمنندگان در گرهما (الفلق: 4)، به پروردگار پناه برده می‌شود

ک

ه

ا

ز

1

3

9

2

این آیه تأثیر سحر و جادو استفاده می‌شود (طباطبایی، 1417ق: 393/20). در
 آیه پایانی هم از شر حسود، زمانی که حسد می‌ورزد به پروردگار پناه برده
 می‌شود. در سوره مبارکه نّی و ناس نیز به صراحت از شروری یاد می‌شود که
 انسانها از طرف وسوسه‌گران جن انسی با آنها درگیرند (مرادی، 1382:
 105/3).

ایمنی از شیطان: مهمترین چیزی که باید از آن به خدا پناه برد، ابلیس معرفی شده

ا

س

ت

(

آ

ل

ع
م
ر
ا
ن
:
٣
٤
؛
ا
ل
ن
ح
ل
:
٩
٨
؛
ا
ل
م
ؤ
م
ن
و

جلب رحمت الهی و پذیرفتن توبه: ثمره پناهربردن به خدای تعالی که تنها ملجأ و پناهگاه انسانهاست جلب رحمت الهی و پذیرفتن توبه بیان شده است (التوبه: ۱۱۸). حفظ عفت و رهایی از آلودگی: در ماجرای حضرت یوسف (ع) (یوسف، 23: 24) و درخواست نامشروع زلیخا و ماجرای حضرت موسی (ع) (الدخان: 20) و حضرت مریم (علیها السلام) (مریم: ۱۸) هم، پناه جستن به پروردگار برای حفظ عفت و رهایی و دوری از آلودگی ذکر شده است.

مصون ماندن از خطر- متکبران و منکران قیامت: در ماجرای تهدید فرعون به قتل حضرت موسی (ع) این پیامبر الهی از فرعون زمان خود و از هر متکبر بی ایمانی به روز

«إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّهِ بِحَسَابِ خَدَا،
 پناه برده است:
 وَانْ بِيْ: حساب» (غافر: ٥٦)
 كُ م
 كُ م
 ت ك ب

ن ال 27) و آیهای
 دیگر هم در این
 زمینه هست؛ «ا
 ذِي نِي
 رب
 ي و
 ر ال ي
 م ن
 تاه م ان

آيَاتِ اَهْلِ سُلْطَانِ
 بَغِي جَادِلُونَ فِيْ

هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ

(. غافر: 56) «

فِيْ صُورِهِمْ اِلَ
 مَا هَمْ بِبَالٍ
 اسْتَعِذْ بِاَهْلِ اِيْتِه
 ب
 صِيْر
 غِي ه ف
 ن
 ك ب

جایگاه و فلسفه استعاذه از دیدگاه قرآن و حدیث

رهایی از جهل و نادانی: حضرت نوح(ع) آنگاه که دریافت درخواستش مبنی بر نجات فرزند، مبتنی بر واقعیت نبود و در صورت پافشاری، از زمره جاهالن قرار می‌گیرد،

به خدا پناهنده
 می‌برد: «
 عُوذُ بِكَ ا
 سَنَلْكَ مَا لِيْ
 (٤٧) (ي ب ه غلم...» (هود:
 رَبِّ اِنِّيْ اُجْنِنُ
 ن ا
 س ل

طباطبایی، 1417ق: 356/10) و در ماجرای قوم بنی‌اسرائیل و ذبح آن گاو،

حضرت موسی علیه السلام به خدای متعال پناه می‌برد از اینکه از جاهالن

نباشد: «... قال أ

عُذِبَ أَهْلُ

كَوْنٍ 67). «ین»

جاهل (البقره:

ن أ
م ن ال

فرار از ظلم و ستم: در جریان آمدن بنیامین به مصر و نگهداشتن وی به بهانه

عاز آوردن پدر، ع
حضرت یوسف (ع)
فرمود: «م
تاع
خ ذ ال م
نظال
إن إذا
ون
م

نا غ ن
اهل أ

و ج دنا م

ن

أ

استعاده 5-

پیامبران و اولیاء
الهی

(یوسف: ۷۹)

شیطان، به فرد خاصی اختصاص ندارد و امری است که پناهربدن به خدای متعال

از شر

10

شامل تمام افراد با هر مقامی و جایگاهی می شود؛ زیرا همه انسانها، حتی پیامبران

الهی و ائمه معصومین (ع) نیز در معرض اغوای دامهای شیطان قرار دارند.

هرچند می تواند انبیاء را از لحاظ جسمی، آسیب رساند و یا نتایج تبلیغ آنها را

تخریب کند، ولیکن توانایی تعرض و مس نمودن به نفوس شریفشان را هرگز

(ندارد، زیرا عصمت آنان، مانع چنان تصرفی است) بیستونی، 1388: ۳۷۲/7

استعاده های قرآنی پیامبران و اولیای الهی عبارتند از

می فرماید: رَبِّ اِنِّیْ عُوْذِبُكَ اَنِیْ
 قال اَیْنَاه
 «
 می برد و
 لَیْ یَّیْبه وَ اَلْ تَغْفِ
 سَمَلْ کَ مَا
 یَّ
 رَ

ن ا ع ل م و ت ر ن
ك ن س ل ل ح م

استجابت خاصہ

وی، رین»

وعدہ (ہود):

۴۷) سالمتی

و م ن خدای

ال متعال

۱
چہ نیکو

در

برکت به ایشان می‌دهد که این وعده، از آثار و فواید پناه بردن ایشان به خدای تعالی

م 48. (ممن م عك... ») هود: مِّنْ اَوْ بَاسْت:

«يَا نُّوحُ اهْبِ كَاتَ عَلَيَّ»

طَبَّاسٌ الْمَكَ

وَعَلَىٰ

3

حضرت موسی(ع): در قرآن سه مورد استعاده از ایشان بیان شده است که عبارتاند از

طلب پناه حضرت در مقابله با فرعونیان و دوری از تهمتهای آنان (الدخان: 20) و به

सा

ل

منظور دوری از رفتار جاهلانه بی‌خردان و در شمار آنان نبودن (البقره: 67) و
در قبال تهدید فرعون، مبنی بر قتل حضرت
(.) غافر: ۲۷

حضرت یوسف(ع): در ماجرای حضرت یوسف(ع) و همسر عزیز مصر نیز که
اوضاع به نفع آن زن پیش می‌رفت، پناه بردن آن حضرت به ذات بی‌همتا، رخ
می‌نماید: «... قال

عَاذَ فَلْ
1392
اهل اِنَّه
حس ن م ث
الظال
واي اِنَّه
ي ا
ال ي
م رب

این م 23) و در آیه
بعد، فایده و ثمره
ون» (یوسف:

استعاده اخالص است که شیطان خود اعتراف کرده است به مخلصین راه ندارد.
 همچنین در پی تدبیر آن حضرت، مبنی بر نگه داشتن بنیامین در نزد خویش، نبی
 خدا، چنین به

عاذ پروردگار، پناه
 می برد: « قَالَ م
 خ ذِ اِلْمُ
 تَاعِ
 نَظَالِ (ون) (یوسف: ۷۹
 اِنَّ اِذَا
 م

ن ن
 اهلل ا
 ن ن ا غ ن ده
 ا و ج د ن ا م

با این جمله، پیشنهاد برادران را رد کرد و گفت: ما نمی توانیم به غیر از کسی که

م
 ت
 ا
 ع
 م
 ا
 ن
 ر
 ا
 ن
 ز
 د
 ا
 و
 ی
 ا

ف
ت
ه
ا
ی
م
ب
ا
ز
د
ا
ش
ت
ک
ن
ی
م
و
م
ع
ن
ا
ی
آ
ی

ه
ر
و
ش
ن
ا
س
ت
(
ط
ب
ا
ط
ب
ا
ی
ی
،
1
4
1
7
ق
:
2

11

عجـضرت آیوب(ع: آیه
شریفه می فرماید: «و انکر

نادی وب اذ ی الشی
نی م
ص ب (ص 41: طلب عافیت و
دنا ا طان
سن
دعایی از رفع گرفتاری و
حضرت ای پ
عذاب» وب(ع) بود که
ه
رب
ی
را از پروردگار خواستار شد و گویی با این کالم به خدا از شیطان پناه برد.
حضرت محمد(ص): بیشترین آیات قرآن در زمینه استعاذه خطاب به حضرت می باشد
که عبارتاند از

1. هنگام قرائت قرآن: جیم» (النحل: ۹۸).
ی آی ات
ان ف
طان الر
فایا ذا قرقر
تاه م ان فای
اهل
استع ذب
ت ال
ذین ی مجادلـکنندگان
در آیات الهی: «ال 2 از
شر

ف اهلل يغي س طان
جادل ون
ر

(صير» (غافر: 56-

استع ذب اهلل انه هو الس مي ع ال
ما ه م ببال
ص د و ر ه م ا ن
ب
غ ي ه ف
ر

كب

وسوسه‌های شیطان که شامل سه آیه است: 3 از شر

طان ن س مي ع عل 200). در م
ن ز ع ن ك استع ذب
و ا م ا ي ... اهلل انه
الميزان
الشي
ز ع ف
م ن

در ارتباط با این آیه بیان شده است: «اگر شیطان خواست مداخله کند و با رفتار جاهلانه جایگاه و فلسفه استعاده از دیدگاه قرآن و حدیث آیه قبل(تو را به غضب و انتقام وادار کند، تو به خدا پناه ببر که او شنوا و) داناست، درست است که این آیه خطاب به رسول خدا(ص) است، ولیکن منظور امت ایشان است، چون خود حضرت معصومان(طباطبایی، 1417ق:

(380-381/8.

اطي ن
و ق ل ر ب ا
ع و ذ ب ك
ع و ذ ب ك
ن
م ن ه م
ر ب ا
و ا
ن
ض ر
ن
و ن « (المؤمنون:

این آیه مشخصه «شرک و تکذیب مشرکین» از همان همزات شیاطین، احاطه و حضور آنهاست (طباطبایی، 1417ق: 92/15). برخی «همزه» را دفع گناهان از راه گمراه کردن معنا کرده‌اند (طبرسی، 1372: 116/7). امام حسن عسگری (ع) فرمود: «همزه شیطان، آن وسوسه‌هایی است که به دل می‌اندازد» (قمی، 1404ق: 93/2). صیغه جمع «همزات» داللت بر تکرار وسوسه یا تنوع (آن یا تعدد شیاطین وسوسه‌گر دارد) مرادی، 1382: 102/3

نَزَّ عَنْكَ اسْتَعْذِبَ ۳۶ (خطاب یوم) «وِ إِمَاي... اهلل إله» در این آیه (فصلت: طان ن س می ع عل) است (چنانکه پیش از این اشاره شد، حضرت (محمد) ص که مشابه) سوره اعراف

12

می‌باشد. ولی بهتر است به خاطر مقام ایشان، نازع (تحریک‌کننده) را خود شیطان بدانیم، چون وسوس شیطانی در ایشان راه ندارد. پس معنای آیه این است که هر وقت دیدی شیطان در تو وسوسه می‌کند، به خدا پناه ببر از شیطنت او که خدا شنوا و دانا به حال

تو است یا شنوای سخنان تو و دانای به اعمال توست (طباطبایی، 1417ق:

596/17).

آفریدگان، شب
تاریک، افسونگران

و حسادت حسودان
در سوره 1. پناه
جستن از شر
فلق آمده است

وسوسه گران جن و انس که در 2. پناهجویی به خدا از
وسوسه‌های شیطان و از شر
سوره ناس به آن اشاره شده
است.

حضرت مریم(علیهاالسلام): حضرت مریم(علیهاالسلام) زمانی که جبرئیل به
صورت یک بشر بر او وارد شد از ترس اینکه تصور می‌کرد او قصد سوء
دارد، خود را به خدا سپرد تا مشمول رحمت الهی شود و قابل توجه است که این
استعاذه مشروط به تقوا بوده

است (طباطبایی، 1417: 41/14) «قَالَ تَإْنِي أ
'مَنْ كَإْنِ «(مریم: ۱۸) وجوه ی
عُذِّبَالرُّحْمَنُ تَق

معنایی آیه این است که؛ من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم، اگر تو با تقوا باشی و

سا
ل
ده
م
-
ش
ما
ره

چون باید با تقوا باشی، پس همان تقوا باید تو را از سوء قصد و تعرض به من باز دارد، که این با سیاق آیه سازگارتر است (طباطبایی، 1417ق: 53/16). برخی هم می‌گویند: «تو تقوا نداری چون پرده خانه مرا دریدی و بدون اجازه بر من درآمدی» (طبرسی: 1372، 508/3). نقلی دیگر هم گفته‌اند که کلمه تقی نام مردی صالح یا

فاجری است، که این 1392

(معنا مستدل نیست) آلوسی، 1415ق: 77/16

مادر حضرت مریم (علیها السلام): مادر مریم (علیها السلام) در پی نذر خویش، دخترش شیطان رجیم به خدا پناه مریم را عابده و خادمه

کلی سا قرار داد و ذریه خود را از شر

داد، این آن چیزی است که دقت در کالم خدا آن را به ما می‌فهماند (طباطبایی 1417ق،

«:») س می 171/3

و این ... ت هـ مـن الشیء
جیم «) العمران: ۳۶ و
عی ذهاب ک

مـ طان الر
ذ
و ی
و ائی ا
ول ح س ن

می‌فرماید: «فَتَقَبَّ گویی در آیه بعد پاسخ می‌گیرد و
باتا ح س نا ...؟»
ل هـ رب
نـ
و ا
تـهـا ن

... «خداوند او را به طرز نیکویی پذیرفت، و به طرز شایسته‌ای او را رویاند».

جایگاه استعاذه در روایات 6-

در اخبار اهل بیت علیهم‌السلام و کتب اخلاقی، عرفانی و ادعیه عنایت زیادی به موضوع استعاذه و ذکر اعوذ باهلل من الشیطان الرجیم شده است مانند:

گناهان (کلینی: 1365، 269/2؛ قمی، 1386: 50) و وسوسه‌های شیطانی - (مجلسی، 1404/60: 204؛ صحیفه سجادیه، 1379: دعای هفدهم)

رذایل اخلاقی؛ خشم (آلوسی، 1415: 111/24)، بخل و بزدلی، حسد، - غصب، حرص و خوار کردن نیازمند (صحیفه سجادیه، 1379: دعا هشتم؛ مجلسی، 1404: 289/73) و موارد فراوان دیگری که در قالب «دعا» از زبان سید الساجدین (ع) بیان شده

است.

جایگاه و فلسفه استعاذه از دیدگاه قرآن و حدیث

آفتهای جسمانی؛ گزند حیوانات مودّی (عاملی، 1388: 261؛ حر عاملی، - 1409: 396/11 و 438؛ محدث نوری، 1408: 8/225)، بیماری (مجلسی، 1404: 4/92). - تنشهای روحی و روانی؛ غم، حزن و اندوه (ابن بابویه قمی، 1378: 61/2)، کسالت و اضطراب (صحیفه سجادیه، 1379: دعا 8).

نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی؛ فقر و گرسنگی (سید رضی، 1383: خطبه - ۲۱۵؛ مجلسی، 1404: 32/69)، دین و قرض (حر عاملی، 1409: ۲۱۵)

(. 315/18، حب مال) (ابن بابویه قمی، 1403ق: 113/1

انحراف اعتقادی در دین؛ کفر و گمراهی) (سید رضی، 1383 خطبه 215) و -

غلبه دشمنان بر اثر هرج و مرج و شرابخواری) (ابن بابویه قمی، 1403ق:

113/1). - از نفسی که سیر نمی‌شود و قلبی که خاشع نمی‌شود و علمی که سود

ندارد و دعایی که شنیده نمی‌شود که این دعا از تعقیبات نماز عصر می‌باشد) (قمی،

1386: 37). - از فتنه‌ها بهخصوص فتنه دجال در آخر الزمان (مجلسی،

(. 1404ق: 191/61

14

از شر زنان) (کلینی: 1365، 516/5 و 517؛ حر عاملی، 1409ق: 178/20؛ -

طبرسی، 1412ق: ³¹ (و حب همسر) زن) (ابن بابویه قمی، 1403ق:

113/1؛ پاینده، 1382: 350/2 و 789). - تنهاماندن با نامحرم) (ابن بابویه

(. قمی، 1403ق: 113/1؛ پاینده: 1382، 350/2 و 789

ازدواج نکردن دختران و در خانه ماندن آنان) (ابن بابویه قمی، 1413ق: 181/3؛ -

کلینی: 1365،

(. 516/5.

از شر ابلیس بهویژه در هنگام طلوع و غروب خورشید که ساعات غفلت است -

(کلینی، 1365: 522/2؛ حر عاملی، 1409ق: 496/6؛ مجلسی، 1404ق:

257/60). - از سختی سفر و اندوه بازگشت) (سید رضی، 1383 خطبه

(. 69/۴۶

دنیا و آخرت) (امین: 1388، ۱۸۶). - از شر -

(. عذاب قبر) (کلینی: 1365، 526/2؛ مجلسی، 1404ق: 191/61 -

جهنم) (مجلسی، 1404ق: 288/6) و آتش آن) (مجلسی، 1404ق: 104/83؛ -

ابن طاووس،

(.در قضاوت میان دو نفر) مجلسی، 1404ق: 318/11 -

سال دهم - شماره 5 - تابستان
2

و قابل توجه است که موارد جزئی فراوان دیگری هم هست که از بحث خارج

است. " با توجه به مجموع روایات در باب استعاذه، ائمه معصومین(ع) زمانها و

مکانهایی را برای پناه جستن به خداوند لحاظ کرده‌اند که عبارت‌اند از

زمانهای پناه بردن 6-1-

139²

یکی از مهمترین مسائلی که روایات بر آن تأکید دارد و می‌بایست هنگام استعاذه،

بدان " توجه کرد تا به سر منزل مقصود رسی " د، توجه به زمان است که اهم آن

عبارت‌اند از: - شروع هر کار، "مخصوصاً عبادات: از آنجا که هر لحظه، امکان انحراف

برای آدمی وجود دارد، انسان باید خود را در حصن امن الهی قرار دهد. خداوند

به خواست و ندای "کنندگان توجه دارد و در همه امور مطلوب نظیر

واجبات، محرمات، مستحبات و امور مباح و... باید به خدا پناه برد. مراد از

استعاذه در این مقام، استعاذه لفظی است

15

نه معنوی و بیانگر التجاء به خدای متعال از شیاطین است که در کتب فقهی در

ابواب " طهارت، صاله، حج و نکاح به آنها اشاره شده است. همچنین استعاذه در

جميع امور مستحب، وارد شده است (هاشمی شاهرودی، 1384: ۴۳۳/۲). در

بسیاری از موارد، استعاذه و مشتقات آن از قبیل «نعوذ بالله» یا «العیاذ بالله» و یا

در قالب تکیه کالم (پناه بر خدا) بهکار می‌برند (اظه‌ری، 1367: 228-229).

در روایتی از عبداهللبنمسعود درباره 'حمد نزول اولین آیه نقل شده است که
جبرئیل به حضرت رسول(ص) فرمود بگو: «یا م

لیم - جیم بَ اسم - ک الّ ذی خَلق...»
ستَ عَذِبَ السّ مِیع الع (هاشمی رب
یطان الرّ حمن الرّ ا بَ اسم
مَ ن الشّ ا

حیم اقرّ
اهل الرّ

شاهرودی،

1384:

265/2.

آغاز تالوت قرآن: پیش از قرائت قرآن، گفتن استعاذه، عملی مستحب است نه -

و

ا

ج

ب

؛

ا

م

ا

ا

م

ر

ب

ه

ا

س

ت

ع

ا

ذ

ه

م

ا

ن

ن

د

ا

م

ر

ب

ه

ش

س

ت

ن

د

س

ت

و

گ

ف

ت

ن

ب

س

م

ا

ه

ل

ل

ق

ب

ل

ا

ز

ص

ر

ف

غ

ذ

ا

،

م

و

ک

د

است. اگر استعاذه واجب بود، باید در نماز واجب می‌شد، چنانکه، قرائت حمد و جایگاه و فلسفه استعاذه از دیدگاه قرآن و حدیث
سوره

واجب است، ولی اجماع بر عدم وجوب آن است و همانطور که گفته‌اند: «هیچ کس جز «ابن‌جندب» با استحباب استعاذه، مخالفت نکرده است و فقها نظریه او را شاذ و غریب دانسته‌اند (مغنیه، 97/1 1383). دانشمندان اسلامی هنگام تالوت

قرآن در نماز و غیر نماز، استعاذه را مستحب می دانند، زیرا با آن که در ظاهر، امر به استعاذه در آیه مذکور است، داللت بر وجوب این امر می کند، ضمن آن که احادیثی هم در دست است که نشان از جواز ترک استعاذه دارد (مجلسی، 1404ق: 5/82). برخی از فقها و قاریان، با استناد به این آیه، استعاذه را بعد از قرائت قرآن، روا دانسته اند (رازی 1420، ق: 22/1) که در جمع میان دو دیدگاه، وی استعاذه را در ابتدا و پایان تالوت، مستحب شمرده است (جصاص، 1405ق: 5/12). قاریان قرآن نیز، پس از استعاذه، وقف می کنند که در اصطلاح تجویدیان، ای ن وقف، تام است (بادکوبه هزاوه، 1377: 196/8-197). مخاطب این قبیل خطابها، نه پیامبر، بلکه جمیع مکلفان است که چون اراده قرائت کنند، الزم است به خدا پناه جویند (آلوسی 1415، ق: 464/7؛ رازی 1420، ق: 269/20؛ طبرسی، 1372: 593/6).

16

بر مبنای کالم خدا (النحل: ۹۸) و سنت رسول خدا (ص) استعاذه در هنگام تالوت از آداب مسلمانان است و این امر، برگرفته از آموزه های قرآنی است که این عبارت برگرفته از قرآن است اما جزو آیات قرآن نیست (قرطبی: 86/1). منظور از استعاذه در آیه

فردی ° طان الر	ت ال °
جی م ° حال، قلب و نفس	أ «فَإِذَا قَرَأَ
قرآن خوان است چنین	قَرَأَ
اهل	
استع ذ ب	
	م ن °
	آن ف °
	الشی

موظف است، مادامی که مشغول تالوت است، این حقیقت را در دل خود بیابد، نه اینکه فقط به زبان بگوید. استعاذه زبانی، مقدمه ای برای ایجاد حالت نفسانی است.

از امام باقر(ع) مروی است که «بسمله» از استعاذه کفایت می‌کند (کلینی: 1365، ۳/۳۱۳). و از امام صادق(ع) درباره تعوذ از شیطان قبل از شروع همه سوره‌ها، سؤال شد، حضرت فرمودند: آری باید از شیطان رانده شده به خدا پناه برد و درباره خواندن یا شنیدن آیات عذاب هم، استعاذه سفارش شده است (محدث نوری، 1408ق: 177/4؛ و برای قرائت سوره مبارکه توبه، گفتن استعاذه تأکید شده است زیرا مشتمل بر برائت از مشرکین است) (محدث نوری، 1408ق: 203-202/1).

این نکته نیـ ز درخور توجه است که هنگام تالوت قاری باید حالت استعاذه داشته باشد

سا

ل

ده

م

-

ش

ما

ره

2

5

-

تا

ب

س

تا

ن

طبرسی: 1372، ۶/۵۹۳) و گفتن الفاضیـ خاص، سبب ایجاد این حالت در نفس قاری (

(ظهر و 1392

17

ح. من الرّ

يَ

م» (به نقل از حمزه (طبرسی: 1372، 89/1). اما صحیحترین نوع:

ر
جي
ال

جیم» است که از قرآن اقتباس شده و طریقه‌های دیگری نیز وارد شده است.
الشّیطان الرّجیم» (معینی،
من الشّیطان الرّجیم: 1377/2021).
وَذِبْ مِثْلًا از رسول

اکرم) ص (من
 است که به ابن مسعود
 «فرمود: «بگو
 اهل السمع العی
 اعوذ بـ اهل روایت شده
 من اطان

از جبرئیل و او از میکائیل و او هم از لوح محفوظ این چنین یاد گرفته است.» (فیض

کاشانی، 1415/3؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، 1363/7؛

استر آبادی، 207/1؛ جایگاه و فلسفه استعاذه از دیدگاه قرآن و حدیث

(.سبزواری نجفی، 1419ق: 283

نماز: نمازگزار با گفتن اعوذ باهمل اذعان به عجز و ناتوانی خود و اعتراف به - قدرت قاهر خالق می‌کند و این امر، داللت بر این نکته می‌کند که برای تقرب به خدا، راهی جز اظهار عجز و انکسار نیست. پس باید قبل از شروع نماز و قرائت حمد با گفتن اعوذ باهمل، که آن سنت پیامبر اکرم(ص) بوده است (حر عاملی،

1409ق: 135/6؛ و متحققشدن به حقیقت قلب، زبان را پاک کرد تا خود را

برای تجلی حقیقی آماده کرد که طبق کالم وحی (العنکبوت: ۴۵) نماز بازدارنده

از کارهای زشت و ناپسند است (انصاریان، 1386: 318/5-319). (از آداب

مهم قرائت، به ویژه قرائت در نماز که سفر روحانی الی اهلل و معراج حقیقی و میقات وصول اهلاهلل است، استعاذه از شیطان رجیم است که خار طریق معرفت و مانع سیر و سلوک الی اهلل است. پس در نماز که صراط مستقیم انسانیت و

او، معراج وصول الی اهلل است، بی استعاذه نباید بود و بدون پناهربدن به

ح
ص
ن
ا
ل
ه
ی
ا
ز
ش
ر
ا
ی
م
ن
ی
ح
ا
ص
ل

ن
ش
و
د
(
م
و
س
و
ی
خ
م
ی
ن
ی
:
1
3
6
9
۱
۳
۳
)
.
ف
ق
ه
ا

ء
،
ا
س
ت
ع
ا
ذ
ه
ر
ا
د
ر
ر
ک
ع
ت
ا
و
ل
ن
م
ا
ز
،

، قبل از خواندن حمد، مستحب دانسته‌اند که این قول مشهور است (هاشمی شاهرودی

۴۳۳/۲). از امام^ث ق^الُ ث^م تَعَوَّذَ

طِ ان الرّ

صادق(ع) است: « ... ب

عَدَت كَبِير: 1384

ة إ ل حر م ن ج م
الشي

فات

كت اب...» (حر عاملی 1409، ق: 134/6) «بعد (گفتن) تكبيرة الحرام گفت از
ح ة ال

ق

ر

ا

شیطان رجیم به خدا پناه ببر و بعد سوره حمد را بخوان...» و مردی از انصار
هم از زیاده اهللو نقصان نمازش به حضرت شکایت داشت، حضرت فرمود قبل
از نماز بخوان: «بسم

اهلل الس مبع الع لیم جیم» (محدث نوری،

اهلل ت و ک ل ت ع ل ی 1408 ق: 214/4) م
اهل ا

ن الش یطان الر

و ب ع و ذ ب

ع و ذ ب در فقها الرضا ع) هم نقل شده است که اول نماز بگو: «ا

اهلل الس مبع الع لیم

ن الش یطان الر

جیم

1408 ق: 213/4) حیم» (محدث نوری،

حمن الر

عموم فقهاء استعاده را در نماز را مستحب دانسته‌اند جز پیشوای سلکیان که آن را تنها در نماز نافله جایز شمرده است. پیروان مکتب ظاهری، قائل به وجوب استعاده در نمازند و از فقهای امامیه، تنها ابوعلی، فرزند شیخ طوسی به وجوب آن رأی داده است. درباره بلند یا آرام خواندن استعاده از حنان بن سدید نقل شده است که پشت سر امام صادق(ع)

نماز می‌خواندم، حضرت با جهر(بلند) تعوذ کرد، سپس - بسم اهلل الرحمن الرحیم - را

سا

ل

ده

م

-

ش

ما

ره

2

5

-

تا

ب

س

تا

ن

هم بلند فرمود (حر عاملی، 1409ق: 135/6) یا در نقلی دیگر آمده است که حضرت این

اهل الس ميع الع ليم
عُذِبَ
عُذِبَ تَعُوذُ رَا بَلَنْدِ خَوَانْدُ
«حُضْرُون» (حِرْعَامَلِي، نْ
ی

یطان الر اهل ا
جیم و ا مَن الش

ق: 136/6) و قول دی. گر ذکر استعاذه در رکعت اول، قبل از قرائت به اخفات 1409

می‌باشد و در صورت فراموشی در رکعت اول، اعاده الزم نیست. آهسته گفتن استعاذه

در 1392

تمام نمازها قول مشهور، استحباب است (بادکوبه هزاره، 1377: ۱۹۷/۸).
«مقداد سیوری» گفتن استعاذه را ولو در نمازهای جهریه، مستحب می‌داند
(معینی، 1377: 75/1). - وضو گرفتن: شیطان با بازیچه ساختن وضو و با
وسوسه‌هایی که می‌کند، عبادات را بی‌مغز می‌کند. پس در امور عبادی استعاذه
الزم است تا باعث بهره‌بردن از عبادات شود. عباداللبنسان نقل می‌کند که
روزی نزد امام صادق(ع) از مردی که در وضو و نماز وسواس داشت، یاد
کردم و گفتم: او مرد عاقلی است. امام فرمود: او چه عاقلی است که

19

مطیع شیطان است. گفتم: چگونه پیروی شیطان می‌کند؟ فرمود: از او سؤال کن که
این وسوسه از چه و از کجا برای او به وجود آمده است؟ خواهد گفت: از کار و
(عمل شیطان) کلینی، 1365: ۱۲/۱

انجام عمل صالح: کسی که می‌خواهد عمل خیری انجام دهد، شیطان دام خود را -
می‌گستراند و وسوسه می‌کند، بنابراین تورهائش را در هر کار نیک، مثل؛ صدقه
دادن، انفاق، ادای نذر و عهد، کمک به یتیم و مانند آن، پهن می‌کند پس باید
مراقب بود که مبدا پای خود را در این دامها بگذاریم. از دیگر دامهای شیطان،

عجله و شتابزدگی است. اما در انجام کارهای نیک عجله کردن، پسندیده است، امام صادق(ع) می‌فرماید: «کسی که تصمیم به کار خیری گرفت، باید عجله کند و به تأخیر نیندازد، زیرا کاری که به تأخیر می‌افتد

شیطان برای ترک آن تالش می‌کند» (کلینی، 1365: 143/2؛ حر عاملی، 1409ق: 113/1).

مطابق آیات قرآن، شیطان امر به فحشا و منکر (النور: ۲۱؛ البقره: ۱۶۸، ۲۰۸؛ النعام: جایگاه و فلسفه استعاذه از دیدگاه قرآن و حدیث)

وسوسه در دلها (الناس: ۵، 6؛ طه: ۱۲۰)، امر به منکر و نهی از (۱۴۲ معروف (التوبه: 67)، تسويف (النساء: ۱۲۰): (و تسويل) محمد: ۲۵؛ النفال: ۴۸؛ النعام: ۴۳؛ الحجر: ۳۹) می‌کند. از رسول اکرم(ص) نقل شده است که انسان با انجام عمل صالح، پشت شیطان را می‌شکند و با مواظبت بر انجام اعمال صالح، شیطان را از خودش دور می‌کند (کلینی: 1365، 62/4؛

مجلسی 1404، ق 114/93؛)؛ و نیز فرمود: «شیطان محکمترین و نیرومندترین یاران خود را برای گمراهی کسی می‌فرستد که با دارایی خود کار نیک انجام می‌دهد» (پاینده: 1382، 1/269). پس در انجام عمل صالح باید مراقب بود تا گرفتار هیچ یک از این غفلتها نشد.

هنگام خشم و غضب: از کمینها و دامهای خطرناک شیطان خشم است که انسان با - از - هذا دست دادن کنترل خود، به هر بدی و شری دعوت می‌شود. امام باقر(ع) فرمود: «إِنَّ شَاطِنَ» (مجلسی، 1404ق: 267/70؛ حر عاملی، 1409ق: 360/15) غضب مِّنَ الشَّيْ

ال آتشی
است که غضب
شیطان
ر

دارد که می‌افرو

سفارش زد».

به روایات

دوری فراوانی

از وجود

20

خشم و درمان آن می‌کند، زیرا خشم زمینه‌ساز دشنام، تهمت، غیبت، دروغ، توهین، تحقیر و جرح و دیگر گناهان است. امام علی(ع) به حارث همدانی می‌فرماید: «از خشم دوری کن زیرا که خشم یکی از سپاهیان ابلیس است» (محدث نوری، 1408ق: 11/12). درباره حکام هم که در معرض خشم و غضب‌اند گفته شده که در هنگام مرافعات چارهای جز استعاضه وجود ندارد ((دستغیب: بی‌تا: ۹

آمده است: «الل	ط ان ف	«صی با
هم- لباس پوشیدن: در ادعیه		ك ن
ع ر ت	ي ذل	
استر	لشي	
	ي و ا ... ل ت	
	تجمع ل ل	

محدث نوری، 1408ق: 313/3؛ عاملی، 1388: 167)؛ خدایا بپوشان بدنم را)

... و برای شیطان بهرهای

در آن قرار مده

م ا- خوردن و آشامیدن: در	ط عم ي ه ذ ا ب خي	غذن
ادعیه آمده است: «الل	ي م	ي م ن
	ي ف	

يَنْفَعُ خَدَوْنَدَا، م 1367: ۱۵۵؛ ابن (عاملی، رَ وَ أ هـ

هـ ۶۰؛ طاووس، 1388: سَعَدَن ضَرِي

م هـ»

اَنْفَعِن و ن
شَر و سَل

خیر این غذا را نصیب کن و از شر آن پناه ده و مرا از نفعتش بهره مند کن و از

ضرر آن مرا

سالمت دار.

بیداری: «الل هُم اِنِّي اُذْ عُوذُ بِكَ طُأْنُ فَ قَظَ ن ا م»
خواب و (ابن بابویه)

يَ الشَّيْ لِعَبِّ بَ م
وَال ي ال ي

وَأ ...

سال دهم - شماره 5 - تابستان 2

قمی، 1413ق: ۴۷۱/1؛ ... خدایا، از این که شیطان مرا در خواب و بیداری

بازیچه قرار دهد به تو پناه می‌برم» (امام صادق ع) هم در این باره می‌فرماید:

«هنگامی که بر پهلوی

ك» (عاملی، 1388: مَن كَ اِلْ

ل جَار است خوابیدی این دعا را:

اِلَيَّ جِي

بخوان: «أ ... ل م

وَأ ل م

؛ ... تو تنها پناهگاهی و من جز پناهی تو ندارم» و در جایی دیگر است که وقتی (۲۵۷

رفتی بگو: 1392 ع وَذِبْ عَ وَذِبْ نَفْ ع وَذِبْ جَمْ و
 «أ ع وَذِبْ جِبْ رختواب به وت ل ك وت ع اهلل اهلل اهلل اهلل
 ر و ا و ا و ا
 ة ي اهلل و آل و» (محدث
 ل ك س ول ه علي نوری،
 1408ق:
 ع وَذِبْ ع وَذِبْ اهلل اهلل صل
 ع وَذِبْ و ا اهلل
 ا اهلل حم اهلل
 ا و ا

(.؛ کلینی: 1365، 42/2537/2

خلوت با زنان بیگانه: تنها شدن با زن نامحرم، به قدری خطرناک است که گفته شده -
 شیطان به عنوان نفر سوم در آنجا حاضر می‌شود و آنقدر جلوه و وسوسه
 می‌کند تا هالک کند (دستغیب، بی‌تا: ۹۹). (امام باقر) ع (در حکایتی از زبان ابلیس
 نقل می‌کنند که

21

گفت: من در سه جا با بندگان نزدیکترین فاصله را دارم که آن هنگام مرا یاد کنید:
 ... سوم، جایی است که با زن بیگانه تنها بودید و هیچکس آنجا نباشد (محدث
 نوری، 1408ق: 265/14

وقت آمیزش: رسول اکرم) ص (در این باب روایت مفصلی دارد که درباره این موضوع
 ا علیه امیر المؤمنین هَلْ كَفَقُ لَ اللّ ط ان ط ان
 علی) ع (فرمود: «ي

ي اذ هم جنب ي الشي و جنب
 الشي

ا ج ا م ن

ع ت ا

ن ک م ط ا ن » (محدث نوری، 1408 ق: 230/14؛ یا علی
ي فَإِنَّهُ إِنْ قَضِيَ بِهِ الشَّيْءُ
م. ارزقتن ضر الشي
اولد ل ه

ي م ي

هرگاه نزد همسرت رفتی، بگو: خدایا شیطان را از ما دور کن و از آنچه که
روزیم کردی، پس اگر فرزندی برای شما مقرر شده باشد شیطان به او ضرری
(نمی‌رساند) امام باقر(ع
ش یط ان فنیز فرمود هرگاه بر اهلت داخل شدی این دعا را بخوان:

«...ال ت جعل لیه

ش ر د ا

و

(صیباً) (ابن بابویه قمی 1413، ق: 402/3
الن

مکانهای پناه بردن -

جایگاه و فلسفه استعاذه از دیدگاه قرآن و حدیث

--

در شریفترین مکانها و در پستترین مکانها باید از شیطان به خدای تعالی پناه برد.
برای ورود و خروج از خانه نیز روایات و دعاها و ویژهای وارد شده است.
چنانکه در

هم ... » (الاعراف: ۲۷؛ ...)

ه

چ

و

...إِنَّهُ ي وَ قَبِيلُهُ ن

ثَالِثُ تَرْجُومَةٍ
رَأَيْتُكُمْ هُوَ قُرْآنُ كَرِيمٍ آمَدَهُ اسْت: «

مِنْ حَي

اینکه او و همکارانش شما را مبینند از جایی که شما آنها را نمیبینید
...». از مهمترین مکانها عبارت
است از:

مسجد: این دشمن سرسخت در مسجد هم انسان را رها نمی‌کند. از سفارشات نبی -
گرامی اسلام آن است که هنگام ورود به مسجد با پای راست وارد شوید و بگویید:
«بِسْمِ جِبْمِ» (محدث نوری، 1408ق: 392/3). امیرالمؤمنین (علی) هم مَن
الشَّيْطَانِ

اهل

عُذْبِ

دَخَلَ الْاهْلَ وَ الْاهْلَ
فرمود: «إِنَّ الشَّيْطَانَ الرَّاسِخَ فِي الْأَرْضِ»
وَقَالَ أَمْ عَظِيمُ جِبْمِ قَالَتْ كَسْرَ
دَالَ عِبْ مِنْ الشَّيْطَانِ
سَجَدَ

بندهای وارد مسجد شود
بگوید: «أَمْ عَظِيمُ جِبْمِ»
ق 26/81: (؛ هرگاه 1404
اهل

مِنْ الشَّيْطَانِ
عُذْبِ

شیطان گوید، که وی کمرم را
شکست

اهل الر- ورود و خروج از خانه: هنگام

حیم» کفایت

ورود و خروج از خانه «بسم

ح من الر

22

از استعاذه می‌کند. در روایات، گفتن «بسم اهل» شیطان را فراری می‌دهد و در حقیقت «بسم اهل» همان پناهجستن و طلب یاری از خداست. از دعا‌های مشهور در هنگام خروج از

اهل منزل: «بسم
(کلینی: 1365،
اهل العظیم»
اهل ت و ک لت ع ی اهل
نت بی و ال ول
وب
اهل ام
والقوة ا

یه ...» (حر

نی ا

اف

این شهر و آنچه در آن است به تو پناه
می‌برم ... عاملی: 1409، 445/11؛

م

... (خدایا) از شرّ ذّا دخ لت الب- حمام:

ها و شرّ

هنگام داخل شدن به حمام بگو: «... ا

ع و ذ بی 543/2 است. در هنگام

ورود به شهر یا منزل بگو: «... ا

م ن شر

ع و ذ بی

فُقَل: اللّهُ ا

یت الّول،

فسی...» (ابن بابویه قمی، 1413ق: 112/1؛ ... وقتی در خانه اول حمام داخل

ش

د

ی

،

ن

شر

... بگو: پروردگارا از خویش، به تو پناه می‌برم

مستراح فرمود: «تَذَكَّرْ مستراح: امام صادق(ع) - ط ان

و تَتَعَزَّوْذِبِ اَهْلِلْ دربارہ آداب رفتن به

اهل

م ن

الشي

جیم» (طباطبائی، 1382، ۱۸۹)؛ خدا را یاد می‌کنی و از شیطان رانده شده پناه-

م

ی

ب

ر

ی

..

؛

ال

ر

داخل مستراح شدی بگو «إِذَا ادْخُلْتَ ال

ج ، فُقِلْ: بِسْمِ

مو در روایتی دیگر ایشان فرمود: وقتی

اهل

خر

عُذِبَ لِيْ خَبِيْثُ الْ

16/3 (ط.ان جیم) کلینی،

خَيْثُ، الرَّءُ

الـ م ج س ، ج س النـ
م ن ال الشي

«سی م سال دهم - شماره 5 - تابستان 2

بلیس» (حر عاملی، 1409ق: 468/17)؛

یدان ۱- بازار: رسول اکرم (ص) می فرماید:

بازار، میدان ابلیس است. پس باید در بازار به خدا پناه برد تا دچار وسوسه نشویم.

بازار ادعیه‌های
فراوان ذکر شده
است: «اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُبْرِئُ
عُوْذِیْكَ اَوْ
غِیْ اَبِیْ وَ

ن أ

کئی یہ یسِ ودہ...»

سي أ

وَجَن

عَتَدِيْ مُنْ اِب

(ابن بابو

علي

ظل

ظ-م-أ

غی و غ

عُذِبُ

၂

مي

۱۰

۱۰

i

۱۰

ب ی

وَأُ

ن أ

قمی 1413، ق: 200/3؛) خدایا به تو پناه می‌برم از اینکه ستم کنم و بر من ستم شود و

1

3

9

2

اینکه ظلم کنم و بر من ظلم شود و تجاوز کنم و بر من تعدی شود و به خدا از ابلیس و

وُذِبَ ... امام باقر (ع)

ها» هل

می فرماید: «... اُع سیاهش پناه می برم

۱۳

يہا و شر

ا ف

م

هـ ا و شر

م ن شر

بازار) و آنچه در آن است و از (کلینی، 1365/5 156؛...خدایا به تو پناه می‌برم از) شر

اهل در آن.شر

23

اهداف استعاذه 7-

برای این فرمان الهی در متون اسالمی اهدافی ذکر شده است که به چند مورد آن اشاره می‌شود: 7-1 بهره‌بردن از عبادات: از مواضع مهم استعاذه، هنگام شروع به انجام عبادات است. شیطان و یارانش همیشه و در همه جا در کمین انسانها هستند تا خیری از انسان سر

نزند و اگر شیطان و اعوانش موفق نشدند، سعی می‌کنند که کار خیر به نتیجه نرسد یعنی عبادات را بی‌مغز کرده و با وسوسه‌هایی که پیش می‌آورند آن را تباه کرده تا بهره‌ای از آن برده نشود. در امور مباح مانند؛ خوردن و لباس پوشیدن و ... هم سفارش به استعاذه شده است. پس در شروع هر کاری، بهویژه اعمال

عبادی برای اینکه بهره کافی از عبادات - شیطان به خداوند پناه برد (دستغیب،

بی‌تا: 6 - 7).برده شود، باید از شر

بستن راههای گناه و فرار از آن: استعاذه به خدای متعال همان فرار کردن از گناه است

می‌خواهم اهلل م ن طاعة الش

اهلل» یعنی «ا یطان»؛ خدایا!

من، دیگر

عُذِبَ وَتَى مِیْ گوییم: «ا

عُذِبَ طَاعَهُ

جایگاه و فلسفه استعاده از دیدگاه

قرآن و حدیث

، به طاعت تو پناه آورم و از بندگی شیطان و از دام او که گناه است بگریزم (دستغیب

الطَّاعَةِ

بی تا: استعاده، ۲۵). امام

صادق (ع) فرمود: «ا

ة بِالْأَسْتِ

و اب

ب عَصِيْمَ عَاذَةِ

و اَفْتِ حَوَا

و اب ال ب

قَوَا ا

غُلْ

ة» (مجلسی، 1404ق: 216/89؛ محدث نوری، 1408/5: 304)؛ درهای گناه و

ب الت س می

معصیت را با «استعاده» ببندید و ابواب ثواب و طاعت را با کلید «بسم اهلل» باز

کنید» دشمنی با شیطان و نجات از سلطه او: شیطان دشمن آدمی، و خالق رحمان، دوست

بندگان گمراهی آن است. آدمی تالش می کند که رضای دوست خود را کسب کند

تا او را از شر دشمن خالص سازد (اظهری، 1367 و 243 و 244). بای د متوجه

بود که شیطان، می کوشد تا قلب انسان را از خدا منحرف سازد، پس منظور از

استعاده آن است که انسان به کلیّت شیطان دور شده و به آنچه محبوب

خداست، کاملاً از آنچه مورد عاقله و محب روی آورد (داورپناه، 1375: 34/1).

درباره دشمنی شیطان در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ غُلْوا» (فاطر: ۶).

امیرالمؤمنین (علی) (ع) نیز می فرماید: «ح نره

ی س

ل طان ل ك م غُلْوا فَاتِحَ

النَّشِي

اب

نوه

و

اَوْتَه» (سیدرضی، 1383 خطبه 1)؛ خداوند او را از ابلیس و عداوت او بر حذر

دا

ش

ت.

ءد

24

گویی هم حرز از دشمن است و هم دوستی و و تقرب به خدای رحمان است.
بنابراین با این کلمه هم دشمن را از خود دور می‌کند و هم خود را متخلق به
اخلاق الهیه می‌کند ب به دوست حاصل می‌شود (اظهری، 1367: 230). حال و
بهوسیله تنفر از دشمن، تفر

اگر کسی استعاذه بگوید ولی حالت او بیرون آمدن از حکومت شیطان و داخل
شدن در تحت حکومت خداوند نباشد دروغگو است و این کلمه از سوی شیطان
بر وی القا و بر زبان وی جاری شده است (گنابادی، 1408ق: 234-235).
یعنی استعاذه فقط زبانی بوده است، نه قلبی

عروج و نزدیکی به خدا: گفتن «اعوذ باهلل»، عروج است از خلق به خالق و از ممکن
به واجب و طریق شناخت این نکته، آن است که احتیاج مخلوق، دلیّ ل است بر
وجود حق. پس اعوذ، دال است به این احتی. اچ تام که اگر نبود، استعاذه بی‌فایده

بود و اهلل اشاره به معنای تامّ حق است (سیاراطراش: 1371، 165). انسان
اگر تمام افعال را از خدا و ضاللت را از خود بداند، از عقاب پروردگار به او
- پناهنده می‌شود (موسوی خمینی، 1369: 83

؛ گنابادی، 1408ق: 237-238). چنانکه رسول خدا(ص) چنین فرمود: «أ84

ق: ۴۱۷/۹۵؛ ابنطووس، 702 1367؛ (؛ خدایا ! از عقابت به گذشتت و از 1404

2-7- اعتراف به عجز نفس: گفتن «اعوذ»، اعتراف است به عجز نفس خود و این مطلب،

(دلیل است بر آن که قرب الهی را جز تواضع و فروتنی وسیله‌های نیست و رسول اکرم (ص

فَسُهِفَّ دَعْرُ

هر کس خود را بشناسد، پروردگارش را شناخته است. پس هر که خود را به ضعف و قصور شناخت؛ پروردگار خود را قادر بر هر مقدور می‌شناسد و هر که خود را به جهل شناخت؛ پروردگار خود را به فضل و عدل می‌شناسد

25

نتیجہ گیری 8-

است-1-8 استعداد تعبیری قرآنی است، به معنای پناهمردن به قدرت برتر برای

دفع شر که جز خداوند نیست هیچ قدرتی ملجأ و پناهگاه انسان نیست؛ استعاذه
گریز از تصرفات شیطانی و دعا و درخواست از درگاه خدای متعال است که در

قالب الفاظ مختلفی چون عوذ، لوذ، لجأ و غوث و ... استعمال شده است که در همه این الفاظ معنای پناهمردن به پروردگار متعال، ملحوظ است.

استعاذه زبانی و قلبی از اقسام استعاذه است که طبق آیات شریفه قرآن کریم، 8-2- استعاذه زبانی به تنهایی فایده ندارد و آنچه مؤثر است بهواقع، استعاذه قلبی است.

3-8 طبق آیات وحی، تنها ملجأ و پناهگاه، خدای متعال است که در کالم خدا، با صفت ربوبیت و رحمانیت مذکور است و این ویژگی‌ها هم برگرفته از استعاذه پیامبران

و اولیاء در قرآن کریم است.

جایگاه و فلسفه استعاذه از دیدگاه قرآن و حدیث

از میان استعاذه‌های قرآنی فوایدی استنباط می‌شود که عبارت‌اند از: ایمنی از 8-4- شرور، ایمنی از شیطان، جلب رحمت الهی و پذیرفتن توبه، حفظ عفت و رهایی از آلودگی، مصون ماندن از خطرات متکبران و منکران قیامت، ایمنی از شر جهل و نادانی و از ظلم و ستم.

پنج تن از پیامبران الهی (علیهم‌السالم) و حضرت مریم (علیها‌السالم) و مادر 8-5- ایشان در زمرة کسانی هستند که در قرآن کریم به عنوان الگوهای قرآنی معرفی شده است. 6-8 بهره‌بردن از عبادات، بستن راههای گناه و فرار از آن، دشمنی با شیطان و نجات از تسلط او، عروج و نزدیکی به خدا و اعتراف به عجز نفس از اهداف استعاذه بهشمار می‌آید.

منابع

قرآن کریم -

آذرنوش، آذرتاش (1384). فرهنگ معاصر عربی به فارسی، تهران: نشر نی -

الوسی، محمود (1415ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، علی عبد -

البارى عطيه، بيروت: دار
الكتب العلميه

ابن اثير، على بن محمد(1364ق(. النهايه فى غريب الحديث و الثير، قم: -
اسماعيليان. - ابن بابويه قمى(شيخ صدوق)، محمد بن علي، عللاشرايع، قم: مكتبه
الداورى، بى.تا. - (1383). ثواب العمال و عقاب العمال، محمدرضا
انصارى محالتى، قم: نسيم كوثر

(1413ق(— من ال يحضر الفقيه، قم: انتشارات جامعه -
مدرسین. - (1378). عيون الخبر الرضا عليهاالسالم،
بى.جا، جهان

(1403ق(. الخصال، قم: انشارات جامعه مدرسین -
ابن طاووس، رضى الدين(۱۳۶۷). إقبال العمال، تهران: دارالكتب -
السالمیه. - (1409ق(. المان، قم: مؤسسه آل البيت
عليهماالسالم

ابنکثير دمشقى، اسمعيل(1419ق(. تفسير القرآن العظيم، تحقيق محمد حسين -
شمسالدين، بيروت: دار الكتب العلميه منشورات محمد على بيضون
سال دهم - شماره 5 - تابستان 2

ابنمنظور، محمدبنمكرم(۱۴۱۴ق(. لسان العرب، بيروت: انتشارات دار -
صادر. - احسانى، ابن ابى جمهور(1405ق(. عوالى النالى،
قم: سيدالشهداء

استر آبادى، محمد بن على، آيات الحکام، تهران: مكتبه المعراجى، بى.تا. - اظهري، -
محمدرضا(۱۳۶۷). حقيقت استعاذه، مجله مشکوة، مشهد: انتشارات آستان 1392

قدس رضوى، شماره ۲۱.

انصاريان، حسين(۱۳۸۶). عرفان اسالمى «شرح جامع مصباح الشريعه و مفتاح -
الحقيقه»، قم:

دارالعرفان

امین، مهدی(1388). تفسیر عالمه (جن و شیطان)، محمد بیستونی، تهران: -
مفتاح دانش و

بیان جوان

انیس، ابراهیم(۱۳۸۴). فرهنگ المعجم الوسیط، محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات -
27

اسالمی

بادکویه هزاوه، احمد(۱۳۷۷). مدخلاستعاده، دایرةالمعارف بزرگ اسالمی، -
تهران: مرکز دایرةالمعارف
بزرگ اسالمی

بیستونی، محمد(1388). لغتشناسی و مفاهیم قرآن کریم، تهران: انتشارات بیان -
جوان. - پاینده، ابو القاسم(1382). نهجالفصاحه، بی‌جا،
انتشارات جاویدان

خلیل(۱۳۸۲). فرهنگ الروس (ترجمه المعجم العربی الحديث)، حمید طبیبیان، - جر -
تهران: انتشارات امیرکبیر

جصاص، احمد بن علی(1405ق). احکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث -
الع

بی.

عامل

ی،

محمد

بن

حسن

حسینی شاه عبد العظیمی، حسین(1363). تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات -

داورپناه، ابوالفضل(1375). انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: -

انتشارات صدر. جایگاه و فلسفه استعاده از دیدگاه قرآن و حدیث

دستغیب، عبدالحسین، استعاده، تهران: انتشارات صبا، بی تا -

(—) 1383). گناهان کبیره، قم: انتشارات اسالمی -

رازی، فخرالدین(1420ق). مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی. - -

راغب اصفهانی، حسین بن محمد(۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق

صفوان عدنان داوودی، دمشق: دارالعلم و دار الشامی

سبزواری نجفی، محمد(1419ق). ارشاد الذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: -

دارالتعاری

ف

ار اطراش لنگرودی، منیژه (۱۳۷۱). هدایت و ضاللت در قرآن، کالم و فلسفه، - سی
تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی

سیدرضی، محمد بن حسین (1383). نهج البالغه، ترجمه محمد دشتی، قم: -
انتشارات

مسجد

جمکران

، شرفاوی، حسن محمد (۱۳۶۳). گامی فرانسوی روانشناسی اسلامی، محمدباقر حجتی -
28

بی‌جا، نشر فرهنگ اسلامی

صحیفه سجادیه، محسن غرویان و عبدالجواد ابراهیمی (1379). قم: نشر -
الهادی. - طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم:
انتشارات اسلامی. - (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، محمد باقر موسوی همدانی،
قم: انتشارات اسلامی. - (1382). سنن النبی، ترجمه حسین استادولی،
تهران: پیام آزادی. - طبرسی، فضلبنحسین (1412ق). مکارم الخالق، قم:
شریف رضی

(—). 1372. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو -

(—). ۱۳۶۰. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، احمد بهشتی و مترجمان، تهران: -
انتشارات

فراهانی

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ق). مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: -
نشر

مرتضو

ی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). التهذيب الحکام، تهران: دارالکتب السالمیه -

عاملی (شیخ بهایی)، بهاء الدین محمد (۱۳۸۸). مفتاح الفالح، عبدالحسین حاجی سال دهم -

-

ش

ما

ره

2

5

-

تا

ب

س

تا

ن

ابوالحسنی، تهران: فراهانی

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). العین، قم: انتشارات هجرت -

فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، -

تهران:

الصدر

1392

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب السالمیه -

قرطبی، محمد، الجامع الحکام القرآن، به کوشش احمد عبدالعلیم بردونی، -

بیروت: بی تا. - قمی، عباس (۱۳۸۶). مفاتیح الجنان، آیت اهل کمرهای، تهران:

انتشارات نبوی. - قمی، علی بنابر اهیم(1404ق). تفسیر قمی، قم: دار الكتاب
کلینی، محمد بن یعقوب(1365). الکافی، تهران: دار الكتب السالمة -
____، الکافی، ترجمة جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، بی تا -
29

گنابادی، سلطان محمد(۱۴۰۸ ق). تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، -
بیروت: ناشر مؤسسة
العلمی مطبوعات
مجلسی، محمد باقر(۱۴۰۴ق). بحار النوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الطهار، -
بیروت:
مؤسسة
الوفاء.

محدث نوری، حسین(1408ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل، قم: -
مؤسسة آل البيت
الحیاء التراث.

مرادی، محمد(1382). مدخل استعاده، دایره المعارف قرآن کریم، قم: تهیه و -
تدوین مرکز فرهنگ و
معارف قرآن.

معینی، محسن(۱۳۷۷). مدخلهای استعاده، آیه استعاده و تعویذ، دانشنامه قرآن و -
قرآن پژوهی، به سرپرستی بهاء الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات دوستان
و ناهید.

مغنیه، محمد جواد(۱۳۸۳). تفسیر کاشف، ترجمه موسی دانش، قم: ناشر -
جایگاه و فلسفه استعاده از دیدگاه قرآن و حدیث
بوستان کتاب.

مقری الفیومی، ابو حامد احمد بن محمد(۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی شرح -
الکبیر المرافعی، قم: انتشارات

دارالهجره

الصالة «معراج السالكين و صلوة العارفين» - موسوی خمینی،

روحاہلل (۱۳۶۹) . سر تهران، موسسه تنظیم و نشر

آثار امام خمینی رحمه اہلل علیہ

۔۔۔، پرواز در ملکوت، سید احمد فہری، قم: دارالکتاب، بی تا -

مہیار، رضا (۱۳۷۰) . فرهنگ ابجدی (ترجمہ المنجدی الابدی)، تهران: -

انتشارات اسلامی. - ہاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۴) . فرهنگ فقہ مطابق

مذہب اہل بیت علیہم السالم، قم: موسسه دایرہ المعارف فقہ اسلامی